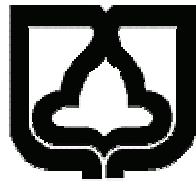


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه سمنان

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان :

بازتاب طنز در شاهنامه

استاد راهنما :

دکتر یدالله شکری

استاد مشاور :

دکتر علی محمد شاه سنی

دانشجو :

اکرم آلبویه

اسفند ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات ،
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این
پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه سمنان است

تعهد نامه

اینجانب اکرم آلبویه دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی گرایش ادبیات محض دانشگاه سمنان ، دانشکده علوم انسانی گروه ادبیات فارسی تعهد می نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از هیچ منبعی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید محترم بوده است.

نام و نام خانوادگی

اکرم آلبویه

تقدیم به :

روح استاد بزرگواری که شوق آموختن ، وزن بودن ، شور زندگی و جوانه های پویندگی
را در وجودم پروراند.

« مرحوم دکتر سیامک عرب »

سپاسگزاری

به نام خدا هست اول کلام
که بس مهربان است بر خاص و عام
که بخشنده و مهربان است نیز
ب«ود مالک عرصه رستخیز
ترا می پرستیم تنها و بس
نداریم یاور به غیر از تو کس
بشو هادی ما به راه درست
ره آنکه منعم زنعمت توست

سپاس خدای را که سخنوران در ستودن او بمانند و شمارندگان شمردن نعمت او ندانند و کوشندگان حق او گزاردن نتوانند و سلام و درود بر پیامبر ختمی مرتبت (ص) و خاندان پاکش هم آنانکه وجودمان وامدار وجودشان است و سپاس فراوان نثار بزرگانی که از لطف حضور و دعای خیرشان هستی و دوام یافته ام . پدر و مادر عزیزم که همواره در طول زندگی به برکت محبت و عنایت ایشان ره پیموده ام و تا همیشه محتاج بزرگی و کرمان هستم . همسر مهربانم که پیوسته همراه و مددکارم بوده و لحظه ای حمایت و مساعدت خویش را دریغ ننموده اند و دختر صبورم که پرکاری و مشغله مرا با جان و دل تحمل کرده و دم برنیاورده است.

در پایان سپاسگزار استادان بزرگواری هستم که در طول این دوره تحصیلی همواره از وجدشان بهره برده ام ، به خصوص استاد راهنمایم جناب آقای دکتر شگری که با حسن خلق و دانش خویش روشنگر راهم بودند و مزاحمت های فراوانم را متواضعانه می پذیرفتند و جناب آقای دکتر شاه سنی که با سعه صدر مرا در پیشبرد این رساله یاری فرمودند. داوران بزرگوار ، استادان فرهیخته ام جناب آقای دکتر محمدی و جناب آقای دکتر طباطبایی که با بذل محبت تلاش یک ساله ام را به دیده تأمل نگرستند.

سعادت ، سلامت و سیادتشان را آرزومندم.

چکیده

با آنکه شاهنامه به عنوان مهم ترین اثر حماسی ادب فارسی همواره مورد توجه بوده ، اما به کاربرد طنز در آن پرداخته نشده است . طنز یکی از مهم ترین محورهای کلامی است که ادبا از آن در بیانی آمیخته با ریشخند و تلخند برای انتقاد و اصلاح نا به سامانی ها و ایجاد آگاهی و بیداری در فرد و جامعه بهره می گیرند . در این پژوهش اهمیت طنز و انواع آن در شاهنامه و شیوه ها و شگردهای طنزپردازی فردوسی بیان شده است. در بخش اول طنز از نظر مضمون و محتوا بررسی شده که در یکی از جنبه های آن در قالب طنز سیاسی ، شاعر با تعریض و تهکم به مبارزه به ظلم و بی عدالتی پرداخته است و در طنزهای اجتماعی قصد اصلاح ناهنجاری های فردی و اجتماعی را دارد و با طنزهای فلسفی بر دنیا و دلبستگان آن با ریشخند نگریسته و سرنوشت محتوم بشر را یادآور شده است. در بخش دوم طنز از جهت بافت کلامی مورد توجه قرار گرفته است. فردوسی با هنر توصیف و در کنار گفتارپردازی های خویش طنزهای نمایشی ، موقعیت و تراژیک را آفریده است که حاصل گفتار و کردار قهرمانان و توصیفات اوست. در بخش سوم به شیوه های بیان طنز در این اثر توجه شده است . شاعر با کنارهم نهادن امور متضاد و حتی گاه امور متناسب و با تکیه بر باورهای عامیانه و بهره گیری از صنایع بدیعی در روایت خویش و گفتار قهرمانان و رجزخوانی های آنان طنزهایی مؤدبانه همراه با تعریض ، طعنه و گوازه ساخته است. گرچه کلام او گاهی به هجو نزدیک می شود اما هرگز از جاده اخلاق خارج نمی گردد و هدف او تحقیر و خوارداشت نیست گرچه کلامش با سرزنش و نکوهش درآمیخته است.

کلید واژه ها : طنز ، هجو ، هزل ، گوازه ، طنز فلسفی، طنز موقعیت ، طنز نمایشی.

فهرست مطالب

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
پیش گفتار	۱
فصل اول : کلیات تحقیق	
۱-۱. بیان مسئله	۴
۲-۱. پرسش های تحقیق	۵
۳-۱. فرضیه های تحقیق	۵
۴-۱. روش تحقیق	۶
۵-۱. هدف تحقیق	۷
۶-۱. پیشینه تحقیق	۷
۷-۱. استفاد کنندگان از نتایج تحقیق	۸
فصل دوم : مبانی نظری	
مقدمه	۱۰
خنده و شوخ طبعی	۱۲
۱-۲. هزل	۱۴
۲-۲. هجو	۱۹
۱-۲-۲. دلایل و انگیزه های هجو سرا	۲۳
۲-۲-۲. هجو و هزل در ایران	۲۴
۳-۲-۲. هجو و هزل در اروپا و سرزمین های دیگر	۲۷
۴-۲-۲. هجو در شعر عرب	۲۹
۳-۲. طنز	۳۱
۱-۳-۲. طنز در اصطلاح ادبی	۳۳
۲-۳-۲. وجوه اشتراک و افتراق تعاریف	۳۵
۳-۳-۲. طنز از نگاه غربیان	۳۸

- ۴۰-۳-۲. تفاوت طنز با هزل و هجو ۴۰
- ۴۲-۳-۲. نظریه های طنز ۴۲
- ۴۴-۳-۲. طنز در ایران ۴۴
- ۴۸-۳-۲. طنز در اروپا ۴۸
- ۵۰-۳-۲. قالب بیان طنز ۵۰
- ۵۱-۳-۲. شگردهای طنز پردازی ۵۱
- ۶۳-۳-۲. عناصر طنز ۶۳
- ۶۴-۳-۲. انواع طنز ۶۴
- ۶۴-۳-۲. ۱-۱۱-۳-۲. طنز از نظر انتخاب نوع کلام ۶۴
- ۶۵-۳-۲. ۲-۱۱-۳-۲. طنز از نظر مضمون ۶۵
- ۶۷-۳-۲. ۳-۱۱-۳-۲. طنز از نظر ساختار و صورت ۶۷
- ۶۷-۳-۲. ۴-۱۱-۳-۲. طنز از چشم انداز بافت کلامی ۶۷
- ۶۸-۳-۲. ۱۲-۳-۲. برخی از معروف ترین طنز پردازان ایران از آغاز تا عصر مشروطه... ۶۸
- ۷۶-۴-۲. گونه های دیگر شوخ طبعی ۷۶
- ۷۶-۴-۲. ۱-۴-۲. کمدی ۷۶
- ۷۸-۴-۲. ۲-۴-۲. فکاهه ۷۸
- ۷۸-۴-۲. ۳-۴-۲. مطایبه/ بذله ۷۸
- ۷۹-۴-۲. ۴-۴-۲. احمد ا ۷۹
- ۷۹-۴-۲. ۵-۴-۲. لغز ۷۹
- ۷۹-۴-۲. ۶-۴-۲. متلک ۷۹

فصل سوم : نگاهی به زندگی فردوسی و اثر جاودانه او

- ۸۱-۳-۱. مقدمه ۸۱
- ۸۳-۳-۱. فردوسی و شاهنامه ۸۳
- ۸۶-۳-۱. ۱-۱-۳. وضع اجتماعی ایران در روزگار فردوسی ۸۶

۸۸.....	۲-۱-۳. شاعر بزرگ شاهنامه
۸۹.....	۳-۱-۳. منابع فردوسی در سرودن شاهنامه
۹۲.....	۴-۱-۳. جایگاه شاهنامه در ادب فارسی
۹۳.....	۵-۱-۳. فردوسی و سبک خراسانی
۹۵.....	۶-۱-۳. ارزش هنری و ادبی شاهنامه
۹۸.....	۷-۱-۳. شاهنامه منشور اخلاقی
۹۹.....	۲-۳. حماسه
۱۰۱.....	۱-۲-۳. مشخصات مشترک میان حماسه های بزرگ جهان
۱۰۲.....	۲-۲-۳. انواع حماسه
۱۰۲.....	۱-۲-۲-۳. حماسه بر اساس نحوه پیدایش
۱۰۳.....	۲-۲-۲-۳. حماسه بر اساس موضوع
۱۰۴.....	۳-۳. طنز
۱۰۵.....	۱-۳-۳. تاریخچه طنز
۱۰۶.....	۲-۳-۳. طنز پیش از فردوسی
۱۰۷.....	۳-۳-۳. دو طنز پرداز پس از فردوسی
۱۰۷.....	۱-۳-۳-۳. طنز در رباعیات خیام
۱۰۹.....	۲-۳-۳-۳. طنز در اشعار عطار
	فصل چهارم : بازتاب طنز در شاهنامه
۱۱۳.....	مقدمه
۱۲۶.....	بخش اول : انواع طنز از نظر مضمون
۱۲۷.....	۱-۱-۴. طنز سیاسی
۱۲۸.....	۱-۱-۱-۴. ضحاک و کاوه
۱۳۲.....	۲-۱-۱-۴. فریدون و فرزندان
۱۳۵.....	۳-۱-۱-۴. گشتاسب و اسفندیار

- ۱۴۱..... ۴-۱-۱-۴. طنز سیاسی بهرام چوبینه
- ۱۴۴..... ۵-۱-۱-۴. طنز سیاسی گردیه و مردم ری
- ۱۴۶..... ۶-۱-۱-۴. طنز سیاسی در پادشاهی یزگرد و حمله اعراب
- ۱۵۰..... ۲-۱-۴. طنز اجتماعی
- ۱۵۱..... ۱-۲-۱-۴. بهرام گور ، لنبک آبکش و برهام یهود
- ۱۵۷..... ۲-۲-۱-۴. بهرام گور و فرشیدورد
- ۱۵۹..... ۳-۲-۱-۴. بهرام گور و بازرگان
- ۱۶۰..... ۴-۲-۱-۴. کرم هفتواد
- ۱۶۳..... ۳-۱-۴. طنز دینی
- ۱۷۲..... ۴-۱-۴. طنز فلسفی
- ۱۷۴..... ۱-۴-۱-۴. تقدیر
- ۱۸۱..... ۲-۴-۱-۴. ناتوانی انسان از درک حقایق هستی
- ۱۸۴..... ۳-۴-۱-۴. ناپایداری و بی اعتباری جهان
- ۱۸۶..... ۴-۴-۱-۴. تضاد و تناقض در کار جهان
- ۱۸۹..... ۵-۴-۱-۴. نقش روزگار و بی مهری آن
- ۱۹۱..... ۶-۴-۱-۴. مرگ
- ۱۹۴..... ۷-۴-۱-۴. دعوت به تساهل و خوش باشی
- ۱۹۶..... ۵-۱-۴. طنز اخلاقی
- ۲۰۲..... ۶-۱-۴. طنز شیرین
- ۲۰۶..... بخش دوم : طنز از نظر بافت کلام**
- ۲۰۷..... ۱-۲-۴. طنز نمایشی
- ۲۰۸..... ۱-۱-۲-۴. رفتن کاووس به مازندران
- ۲۱۰..... ۲-۱-۲-۴. پرواز کیکاووس به آسمان
- ۲۱۲..... ۳-۱-۲-۴. شاپور ذوالاکتاف

۲۱۳.....	۴-۲-۱-۴. خاقان چین و نوشین روان
۲۱۴.....	۴-۲-۱-۵. رستم و کلاه‌پور و اسفندیار
۲۱۵.....	۴-۲-۲. طنز موقعیت
۲۱۶.....	۴-۲-۱. سهراب و گردآفرید
۲۱۷.....	۴-۲-۲. داستان اسکندر
۲۲۰.....	۴-۲-۳. کیقباد و مزدک
۲۲۲.....	۴-۲-۴. هرمزد و آذر مهران
۲۲۳.....	۴-۲-۳. طنز تراژیک
۲۲۴.....	۴-۲-۱. داستان جمشید
۲۲۶.....	۴-۲-۳. داستان رستم و اسفندیار
۲۳۰.....	۴-۲-۳. داستان رستم و سهراب
۲۳۳.....	۴-۲-۳. نمونه‌هایی دیگر از طنز تراژیک
۲۳۶.....	بخش سوم : شیوه‌های بیان طنز
۲۳۶.....	۴-۳-۱. بیان بلاغی در طنز
۲۴۶.....	۴-۳-۲. گواژه
۲۴۸.....	۴-۳-۳. طنز در توصیف
۲۵۲.....	۴-۳-۴. تناسب‌ها و تضادها، نمادها و باورهای طنزآمیز
۲۵۶.....	۴-۳-۵. طنز در گفتار
۲۵۷.....	۴-۳-۱. گفتار از زبان راوی
۲۶۰.....	۴-۳-۲. گفتار از زبان قهرمانان
۲۷۰.....	۴-۳-۳. رجزخوانی و طنز
۲۸۲.....	۴-۳-۴. تحلیل پرکاربردترین ابزار طنزپردازی در شاهنامه
۲۸۹.....	فصل پنجم : نتیجه‌گیری
۳۰۲.....	منابع

پیشگفتار

زمانی که سخن از شاهنامه به میان می آید، همگی اثری سترگ، جاودانه، جدی، حماسی، پرتب و تاب، با پرواز تیرها و برهم خوردن شمشیرها، میدان های جنگ شورانگیز، وصف های خیال انگیز، زنده، پویا و دقیق، پهلوانان ماهر در رزم و بزم، حوادث پر پیچ و خم، صلابت لفظ، استواری اندیشه و سبکی عالی را به یاد می آورند. رستم نماد پهلوانی با زور و بازوی تهمتنی خویش در ذهن و خاطر مردم ما خوش نشسته است. سهراب نماد مظلومان به ناحق کشته شده، سیاوش نماد پاکی و درستی، سودابه مظهر فتنه و فساد و ضحاک نماد اژدها منشی و ستمگری گشته است. اما کمتر کسی با نگاه به شاهنامه متوجه طنزها و شوخ طبعی های فردوسی می شود و از خویش خواهد پرسید: «طنز و حماسه؟! فردوسی و شوخ طبعی؟!»

شاید این اندیشه از آنجا منشأ می گیرد که در تعاریف پیشینیان بین طنز، فکاهه و گونه های مختلف شوخ طبعی تفاوتی قائل نمی شده اند و این باور همگان را به این اندیشه می رسانده که فردوسی حماسه سرای، آن خالق پهلوانان جنگ های سخت را با فکاهیات چه سر و کاری است؟!

اما امروزه با مشخص شدن حد و مرز نسبی بین گونه های مختلف شوخ طبعی بر همگان مسلم گشته که طنز نگاهی عمیق، شکافنده، مؤثر و انتقادی دارد و با فکاهه سطحی زودگذر بی تأثیر، تفاوت های فراوان دارد.

طنزنویس از دید و بینش اجتماعی برخوردار است و خواننده را به تفکر وا می دارد و او را به مسائل عمیق تر و مهم تری رهنمون می شود و حال آنکه فکاهه نویس تنها به شرح یک حادثه مجرد بسنده می کند و ناچار اندیشه خواننده با خنده او پایان می پذیرد.

آری، شاهنامه با وجود زبان و ساخت حماسی خویش از عنصر طنز نیز برخوردار است. طنزی لطیف، مسئولانه، انتقادی، خوشایند و بایسته، همراه با ریشخند و تعریض و گواژه. طنزی

که چون تار و پود در بافت شاهنامه به طور طبیعی نشسته است. شاهنامه مخملی است نرم که طنز جلابخش آن گشته و همه جا در تمام صحنه ها و در تمام لحظات ابزار کار فردوسی است و شاعر چنان طبیعی از این شگرد هنری، در توصیفات خود و گفتار و کردار قهرمانان خویش بهره می برد که آن را هیچ گاه عنصری تصنعی برای جلوه پردازی نمی یابیم.

با تمام این اوصاف، به دلیل ویژگی های سبکی شاهنامه، این اثر از دیدگاه طنز چندان مورد توجه پژوهندگان و دانشوران قرار نگرفته است و تنها در موارد معدودی به وجود طنز در شاهنامه اشاره شده، اما آنچنان که شایسته است هیچ کس به بررسی مبانی نظری طنز در این اثر و توضیح و تفسیر آن پرداخته است.

ناگفته پیداست که بررسی انواع طنز و شگردهای طنزپردازی فردوسی در تمام شاهنامه کاری عظیم و مسئولیت چنین پژوهشی باری است گران و نگارنده به هیچ وجه ادعای آن ندارد که توانسته به شناخت کامل و جامعی در این باب دست یابد والبته کمبود منابعی که به دسته بندی منظم و روشمندی در طنز پرداخته باشد، مشکل را بیشتر می کند. اما در حد توان و زمان خویش، سعی بر آن شده که انواع طنز در سراسر شاهنامه و داستان های مختلف بررسی شود و شیوه های طنزپردازی فردوسی مورد بحث قرار گیرد.

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱. بیان مسئله

طنز بیانی است غیرمتمعارف و هنری است زیرکانه و اندیشه ای است مسئولانه که با اغراق در زشتی ها و کاستی ها و بزرگ نمایی ضعف ها موجب خنده آوری می شود.

در نهاد طنز قضاوتی اخلاقی و تمنایی برای اصلاح آداب و رسوم وجود دارد و طنز نویس انسانی است که بر عهده خویش می داند تا این نقاط ضعف، کمبودها، نارسایی ها، نواقص و کجروی های جامعه و یا شخص را بازخواست و ممیزی کند و با ریشخند و تمسخری اصلاح طلبانه بر کسانی که از هنجارهای مطلوب منحرف گردیده اند، بتازد. عقل طنز نویس عقل حاکم نیست، عقل او با عقل خواننده پیوند می خورد و بر او نهیب می زند، او آینه ای در برابر انسان می گیرد تا جهل او را به رخ وی بکشانند و فردوسی هنرمندی است زیرک و منتقدی است مسئول که شاهنامه را عرصه ای برای عبرت آموزی و انتقاد و اصلاح و بیداری ساخته است.

شاهنامه دریایی است بی کران که چون آفریننده اش پر ابهت و پر هیمنه است. دریایی سرشار از صدف هایی گرانبها که مروارید سخنان وی در جای جای آن می درخشد. و آنچه بر عظمت این دریا می افزاید، الفاظ فاخر و سبک عالی اوست. شاهنامه تاریخ و فرهنگ ایران پیش از اسلام است از نگاه فردوسی.

و آنچه این اثر را متفاوت ساخته بهره گیری درست از طنز در حماسه است. فردوسی از طنزی به دور از هجو و هزل بهره می برد و حتی زمانی که بر آن است تا دشمنی را در هم کوبد و یا ظالمی را مجازات کند باز از جاده کلام فاخر دور نمی شود و به بیراهه نمی افتد. در رجز خوانی های پهلوانانه او طنز ابزار جنگ است که بر روان حریف ضربه می زند، طنز وسیله بیان افکار و اندیشه و باورهای فردوسی است و تاختن بر هر آنچه که ناروا می داند.

۲-۱. پرسش های تحقیق

در بررسی اولیه پرسش های زیر مورد توجه قرار گرفت:

- ۱- منظور از انواع طنز چیست و شیوه های طنزپردازی کدامند؟
- ۲- کارکرد های سیاسی، اخلاقی و روانی طنز چیست و تاثیر آن بر مخاطب چگونه است؟
- ۳- فردوسی در چه مواقعی و چگونه از طنز بهره برده است؟
- ۴- آیا با توجه به لحن استوار فردوسی و صلابت شعر حماسی شاهنامه، با طنزی فاخر و حکیمانه روبه رو خواهیم شد؟
- ۵- آیا براساس اندیشه حکیم بودن فردوسی، نمونه هایی از طنز فلسفی نیز در شاهنامه دیده می شود؟

۳-۱. فرضیه های تحقیق

پاسخ های ما در نگاه اول به سؤالات چنین است:

- ۱-طنز یکی از گونه های ادبی است که با هزل و هجو تفاوت دارد. وگرچه گاهی مرز میان آنها باریک می شود اما طنز کلامی است انتقادی، ارزشمند و مؤثر که با ریشخند و تعریض و گوازه می تواند همراه شود و از نظر محتوا و بافت، گونه های متفاوتی دارد.
- ۲- طنز در ادبیات یک شیوه است در بیان مفاهیم انتقادی، آمیخته با شوخی و خنده وهم چون دارویی است تلخ برای درمان درد های اجتماعی، اخلاقی و سیاسی. دارویی که لعابی شیرین دارد و درد هارا نشانه گرفته و با آن ها به ستیز بر می خیزد.
- ۳- فردوسی در هر سه بخش شاهنامه و در تمام لحظات از طنز بهره می برد، چه در درام و صحنه های سخت نبرد و چه در بزم های شیرین پهلوانانه. و آنچه که شاهنامه را به حماسه ای خاص بدل می کند، شیرینی طنز و اغراق های طنزآمیز اوست.

۴- طنز فردوسی، طنزی محکم و متقن است که پیش از خندانند خواننده، موجب تحسین طنز پرداز می شود.

۵- فردوسی در کلام خویش از طنز فلسفی نیز بهره می برد، آنگاه که از مرگ و نقش تقدیر سخن می گوید، کلام را با چاشنی طنز درمی آمیزد و سخن خود را به مذاق خواننده شیرین می کند.

۱-۴. روش تحقیق

در این پژوهش ما با روش کتابخانه ای- توصیفی در فصل دوم به توضیح مبانی نظری طنز پرداخته و تفاوت آن را با گونه های دیگر شوخ طبعی بررسی کرده ایم و با ارائه تاریخچه طنز، جدید بودن طنز واقعی را خاطر نشان ساخته ایم. و در فصل سوم زندگی فردوسی و ارزش هنری و ادبی شاهنامه او و شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر روزگار او را تحلیل کرده و به بررسی ویژگی های سبکی شاهنامه و شناخت حماسه و طنز بزرگان پیش و پس از فردوسی پرداخته ایم تا با شناسایی خصوصیات طنز در قرون نزدیک به فردوسی به شناخت کامل تری از طنز این شاعر بزرگ دست یابیم. در فصل چهارم، در بخش اول طنزها را در شاهنامه دسته بندی و طنزهای سیاسی، اجتماعی، دینی، فلسفی و اخلاقی شاهنامه را بررسی کرده ایم. از آنجا که تار و پود سیاست و اجتماع در هم تنیده است و در آنها اندیشه های اخلاقی نیز همواره دیده می شود، مرزبندی این طنزها کار را دشوار می کند و ما بر اساس باور و تم اصلی داستان آن را تقسیم بندی کرده ایم. در طنز فلسفی آن گروه از اندیشه ها و افکار فردوسی را که در قالب زبانی گوازه آلود و طنزآمیز در نکوهش دنیا و ناپایداری آن، مرگ، تقدیر و عجز انسان از درک عظمت هستی است، بیان کرده و راهکار فردوسی را که دعوت به تساهل و خوش باشی است در اشعار او نشان داده ایم. در طنزهای اجتماعی و اخلاقی به بررسی نکوهش و انتقادات فردی و اجتماعی شاعر پرداخته و در طنزهای دینی ریشخند و اعتراض او را به جهت باورهای نادرست و یا خرافی در برابر اندیشه های هم کیشان و یا سایر ادیان نشان داده ایم.

در بخش دوم طنز را از جهت ساختار و بافت بررسی کرده و طنز ها را به صورت طنز نمایشی، موقعیت و تراژیک دسته بندی نموده ایم. فردوسی گاهی با به تصویر کشیدن رفتاری طنز آمیز، طنز نمایشی می سازد و زمانی با توصیف حرکات و رفتارها و آرایش گفتگوهای میان قهرمانان داستان موقعیت های طنزآمیزی ایجاد می نماید و زمانی در لحظه های حساس و سرنوشت ساز و یا پر از غم قهرمانان خویش با طنز مرهمی بر دل خونین خواننده می نهد.

در بخش سوم شیوه های ساخت طنز را مورد توجه قرار داده ایم. با توجه به اهمیت صنایع بدیعی در طنز فردوسی و بهره گیری از این شگرد طنزپردازی به مطالعه این نمونه ها پرداخته و سپس به توصیف های طنزآمیز و باورها و نماد های طنزآفرین و طنز در گفتار راوی توجه کرده و در پایان گفتار های طنزآمیز و ویژگی ها و اهداف آن را از زبان قهرمانان و رجز خوانی های آنان بررسی نموده ایم.

۱-۵. هدف تحقیق

هدف از این پژوهش شناخت درست و دقیق از طنز و کارکردهای آن و سپس بررسی طنز به عنوان یک محور بیانی در شاهنامه می باشد و اینکه فردوسی چگونه و تا چه اندازه از این شیوه سخن سرایی بهره برده و کلام متقن خویش را به آن آراسته است و چگونه طنز ابزاری برای تأثیرگذاری بیشتر کلام وی گشته و طنز او چه تأثیرات خاص روانی، سیاسی و اجتماعی بر شخصیت های شاهنامه گذارده است.

۱-۶. پیشینه تحقیق

پژوهش در این موضوع پیشینه چندانی ندارد، از شناخت درست طنز و تفاوت آن با هجو و هزل در متون گذشته گرفته تا دسته بندی های منسجم طنز و تقسیم بندی آن در متون و آثار نوشتاری. در برخی از آثار نمایشی دسته بندی های متفاوتی در طنز پیشنهاد شده که بیشتر مربوط به طنز های رسانه ای است تا طنزهای نوشتاری و این کمبودها پژوهشگر را با کمبود منابع روبه رو می کند، به همین سبب نگارنده بیشتر به یافته های خویش متکی بوده است و این امر باعث گشته تا این پژوهش از لغزش و کاستی به دور نباشد.

درآثار زیر به بخش هایی از طنز شاهنامه بطور مجمل اشاره شده است :
سرامی ، قدمعلی (۱۳۸۸) ، از رنگ گل تارنج خار، تهران : انتشارات علمی فرهنگی ، چاپ
اول.

حاجی پور ، فهیمه (۱۳۸۷) ، " تلخندهای فلسفی شاهنامه " ، مجله تخصصی زبان
وادبیات فارسی ، شماره چهارم ، سال چهل و یکم ، صص : ۲۰۷-۲۱۱.
کزازی ، میرجلال الدین (۱۳۸۶) ، نامه باستان ، جلد ۱-۹ ، تهران : انتشارات سمت ،
چاپ ششم.

جوینی عزیزالله ، طنز در شاهنامه حکیم فردوسی

www.njavan.com 2010/12/12

۱-۷. استفاده کنندگان از نتایج تحقیق

امید است دستاورد این پایان نامه با این کیفیت بتواند مورد استفاده جامعه علمی، مراکز
فرهنگی و دانشگاهی قرار گیرد.
ذکر این نکته لازم است که در این پژوهش از نسخه انتقادی دکتر سعید حمیدیان از
شاهنامه چاپ مسکو استفاده شده است و رسم الخط به کار رفته در این پژوهش نیز بر اساس
این کتاب است.